



نقد و بررسی کتاب: سنت شفاهی به مثابه تاریخ^۱

دکتر حشمت‌اله عزیزی^۲

مشخصات کتاب:

تألیف: جان (یان) وانسینا
ترجمه: فرهاد نام برادرشاد
چاپ نخست: ۱۳۹۷
تعداد صفحات: ۲۹۱
قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان
ناشر: مورخان



1. Vansina, Jan (1985). *Oral tradition as history*, published in Kenya, Uganda and Tanzania by East African Educational Publishers Kijabe Street P.O. Box. 45314 Nairobi.
۲. دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، رئیس اداره اسناد دیداری و شنیداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ heshmatazizi@gmail.com



مقدمه:

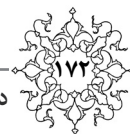
کتاب «سنت شفاهی به‌مثابه تاریخ» اثر جان وانسینا^۱ (۲۰۱۷-۱۹۲۹م) نویسنده آمریکایی-آفریقایی‌تبار، از آثار مربوط به حوزه روش‌شناسی تاریخی است که توسط فرهاد نام برادرشاد^۲ ترجمه شد و تابستان ۱۳۹۷ ش. به‌وسیله انتشارات مورخان در ۲۹۱ صفحه چاپ و روانه بازار گردید. کتاب با سخن مترجم در معرفی، اهمیت موضوع و مشکلات پیش‌رو در ترجمه این اثر آغاز می‌شود و از یک پیشگفتار و هفت فصل (هر فصل به چند گفتار تقسیم شده) تشکیل شده است. در نهایت کتاب با نتیجه‌گیری و بخش کتاب‌شناسی به پایان می‌رسد.

یکی از انواع مختلف منابع تاریخی، سنت‌های شفاهی هستند. آن‌ها پیام‌هایی نانوخته‌اند که در حافظه نسل‌های بشری ثبت شده‌اند. سنن شفاهی در گفتارها و آواها منتقل شده و به‌صورت مثل‌ها، تصنیف‌ها، سروده‌ها، افسانه‌ها و غیره دریافت می‌شوند. این منابع تعریف‌کننده فولکلور هستند و به انتقال مفاهیم تاریخی کمک می‌کنند. نویسنده، هدف کتاب را تلاش برای تهیه مجموعه‌ای از قواعد و قوانین مربوط به جریان تولید، انتشار و ثبت سنن شفاهی و تاریخی برای خوانندگان و محققان این حوزه بیان می‌کند، به‌گونه‌ای که این قواعد از یک بدنه و ترتیبی منطقی برخوردار باشند. وانسینا معتقد است که منابع شفاهی تاریخ ارزشی برابر با منابع و اسناد مکتوب دارند و آن‌ها را نیز می‌توان برای به دست آوردن محتوای حقیقی و مؤثق گردآوری کرد. البته تا دوره اخیر، عده معدودی از محققان به حوزه روش‌شناسی سنن شفاهی به‌عنوان منبع تاریخی ورود کرده‌اند، اما با توجه به ابداعی بودن شیوه ارائه مطالب و تدوین قواعد مربوط به سنت‌های شفاهی، اهمیت و ارزش این اثر دوچندان است.

ناگفته پیداست که ترجمه دقیق موضوعات و مفاهیم در آثار مربوط به حوزه روش‌شناسی تاریخی و انتقال درست این مفاهیم به خوانندگان، امری دشوار است که البته مترجم محترم در این زمینه تا حدود زیادی موفق بوده است. موضوعات و مصادیق کتاب محدود به دوره معین یا مکان مشخصی نیست و این رویکرد هر چند باعث باورپذیری بیشتر و ارتباط بهتر مورخان و محققان در زبان‌های غیرانگلیسی با حوزه مطالعاتی شده است، اما مترجم را با گستره‌ای از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف مواجه کرده که به‌نظر می‌رسد این مسئله کار ترجمه این اثر را با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو کرده است. البته سعی مترجم در استفاده از واژه‌های متداول و امروزی در حوزه روش‌شناسی تاریخ و همچنین استفاده از ارجاعات و ارائه توضیحات در قالب پاورقی به منظور روشن شدن موضوع، قابل‌تقدیر است.

لازم به ذکر است برخی از اشکالات مطرح‌شده، مخصوصاً در حوزه نشر می‌تواند سلیقه‌ای باشد و در کل از آنجا که این اثر اولین کار جدی است که در این حوزه در ایران به‌صورت کتاب به‌چاپ می‌رسد^۳، لذا اشکالات طرح‌شده به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند نافی زحمات و اهمیت کار مترجم محترم باشد، بلکه امید است که بتواند در چاپ بعدی این اثر مثمرتر واقع شود.

۱. جان (یان) وانسینا (Jan Vansina)، تحصیلات خود را در دانشگاه ایالتی ویسکانسین به پایان رسانده است. وی خود را اهل کشور غنا معرفی می‌کند. حوزه مطالعاتی وانسینا پژوهش در سنت‌های شفاهی ملل مختلف، به‌خصوص آفریقا بوده است. وی به پیشنهاد بنیاد همبولت آلمان و با تشویق برخی از استادان دانشگاه محل تحصیل، ترغیب به نگارش اثری در حوزه روش‌شناسی تاریخی سنن شفاهی گردید (وانسینا، ۱۳۹۷، ص ۱۹-۲۰). وانسینا ابتدا در سال ۱۹۶۵م. کتابی تحت‌عنوان سنت شفاهی: مطالعه روش‌شناسی تاریخی را تألیف کرد که می‌توان این کتاب را در زمره یکی از مداخلات حساس و مهم روش‌شناختی در این حوزه به‌شمار آورد. پس از آن در ۱۹۸۵م. کتاب سنت شفاهی به‌مثابه تاریخ را نوشت (جی. لی، ۱۳۹۴).
۲. وی دانش‌آموخته تاریخ در مقطع کارشناسی‌ارشد از دانشگاه شهید بهشتی است.
۳. در این زمینه به جز چند مقاله، کار جدی و اثر قابل‌ملاحظه‌ای به چاپ نرسیده است. برای آگاهی بیشتر رک: احمدی، حسین (۱۳۸۶). سنت شفاهی و تاریخ‌شناسی در تاریخ نگاری اسلام و ایران. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۱۸؛ نورانی، مرتضی؛ دهقان نیری، لقمان؛ ابوالحسنی‌ترقی، مهدی (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ‌شناسی. مجله پژوهش‌های تاریخی، ۲ (۴).



نظر به اهمیت موضوع در حوزه روش‌شناسی سنن شفاهی و آشنایی بیشتر با شیوه ارائه مطالب و دیدگاه‌های نویسنده، ابتدا به چکیده‌ای از مباحث مهم ارائه‌شده در فصل‌های مختلف اشاره می‌شود و در ادامه، به اشکالات چاپی و ویرایشی کتاب خواهیم پرداخت.

مباحث مهم کتاب

مؤلف در فصل اول تحت‌عنوان «سنت شفاهی همچون جریان مداوم»، در سه گفتار به گستره سنن شفاهی پرداخته است (ص ۲۱-۶۲). در گفتار اول به چگونگی تولید و شکل‌گیری پیام‌ها به‌عنوان «سنن گفتاری»، در گفتار دوم تحت‌عنوان «فرایندهای پویایی سنت شفاهی»، به معرفی مدل‌های مختلف انتقال پیام از جمله گفتار حفظ‌شده، گزارش‌ها، حماسه‌ها، قصه‌ها و اقوال حکیمانه و ضرب‌المثل‌ها پرداخته و در گفتار سوم «سنت شفاهی به‌مثابه منبع تاریخی» که عنوان کتاب نیز از این گفتار اخذ شده است، به تعریف خود از سنت شفاهی پرداخته و تفاوت آن را با دیدگاه جامعه‌شناسان، زبان‌شناسان و دانشمندان هنرهای کلامی بیان کرده است.

وانسینا سنن شفاهی را «اظهارات شفاهی گفته شده، آواز یا تنها آنچه در آلات موسیقی خوانده می‌شود» تعریف کرده و معتقد است که این تعریف، چنین منابعی را نه‌تنها از پیام‌ها و گزارش‌های نوشته‌شده، بلکه از همه مآخذ- به استثناء تاریخ‌شفاهی- متمایز می‌کند (ص ۵۶). او همچنین اضافه می‌کند که همه منابع شفاهی جزو سنت‌های شفاهی نیستند و تنها کلمات و عبارات یا پیام‌هایی جزو سنت شفاهی محسوب می‌شوند که حداقل در طول یک نسل، دهان به دهان منتقل شده باشند. از نظر وانسینا آنچه که منابع و مآخذ سنت شفاهی را قابل‌اعتماد می‌سازد، این است که آن‌ها از ضمیر ناخودآگاه و بدون دستکاری روایت‌ها شکل می‌گیرند. وی تعریف خود از سنت شفاهی را کاربردی و برای استفاده مورخان دانسته و در تفاوت آن با دیدگاه سایرین می‌نویسد:

«جامعه‌شناسان، زبان‌شناسان یا دانشمندان هنرهای کلامی هر کدام برای حوزه خود تعاریفی دارند، چنانچه جامعه‌شناسان بر روی دانش و آگاهی‌های مشترک تأکید دارند، زبان‌شناسان به تشخیص و تمایز زبان در گفتار مشترک و متداول معتقدند و دانشمندان هنرهای کلامی به شکل و محتوایی که هنر کلامی را تعریف می‌کند (فرهنگ عامه) توجه دارند. این قبیل دانشمندان به‌طور معمول بسیار کمتر از مورخان، تحت‌تأثیر اهمیت انتقال سنن شفاهی در طول زمان هستند. در واقع آن‌ها عملاً تاریخ‌شفاهی و سنت شفاهی را در هم می‌آمیزند» (ص ۵۶).

فصل دوم تحت‌عنوان «اجراء، سنت و متن» در چهار گفتار ارائه شده است (ص ۶۳-۱۰۵). در این فصل نویسنده درصدد آن است تا ارتباط یک سنت با متنی که از آن ناشی می‌شود را توضیح دهد. وی در بحث «ثبت سنت‌ها» با ذکر اینکه گزارش‌های ثبت‌شده به‌عنوان «سنت شفاهی» می‌توانند کاملاً رونویسی یا خلاصه‌نویسی صرف باشند، معتقد است باید میان ثبت و ضبط تصادفی



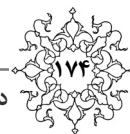
و ثبت روشمند سنت‌ها تفاوت قائل شد، چراکه اغلب فاصله زمانی زیادی میان آنچه باید اجرا می‌شد و ثبت آن‌ها وجود دارد و به همین خاطر مورخان باید در استفاده از این داده‌ها (سنن شفاهی) دقت بیشتری نمایند.

فصل سوم با عنوان «دریافت پیام» در سه گفتار جداگانه به بررسی شکل و محتوا، معنا و اهداف پیام‌های ثبت‌شده به‌عنوان سنت می‌پردازد (ص ۱۰۷-۱۲۴). نویسنده معتقد است که برای دریافت صحیح یک پیام نباید تنها به معنای آشکار آن بسنده کرد و لازم است با معنای در نظر گرفته‌شده آن پیام که با موضوعاتی همچون استعاره و کنایه و کلیشه‌های پیچیده بیان شده است، آشنا شویم و این مسئله میسر نمی‌شود مگر اینکه مورخ یا نویسنده به‌طور کامل با جامعه و فرهنگی که کلمه در آن ریشه دارد، آشنا شود.

«پیام یک محصول اجتماعی است» عنوان فصل چهارم کتاب است که در آن نویسنده به تشریح کاربردهای اجتماعی پیام پرداخته است (ص ۱۲۹-۱۶۳). وانسینا معتقد است همه پیام‌های سنن شفاهی - چه در زمان حال و چه در زمان گذشته بیان شده‌اند - به شدت تحت‌تأثیر فشارها و اوضاع اجتماعی زمان خود بوده‌اند. به همین منظور مورخ باید میزان این تأثیرات را ارزیابی کند و ابزارها و راه‌هایی را که می‌توان از طریق آن هر پیامی را تفسیر کرد، در نظر بگیرد. به همین خاطر جان معتقد است مورخی که قصد دارد از سنت‌های شفاهی در کار خود استفاده کند، یا باید جامعه‌شناس و انسان‌شناس باشد یا در غیر این صورت لازم است برای تحلیل درست داده‌ها با یک انسان‌شناس یا جامعه‌شناس همکاری کند (ص ۱۴۰).

فصل پنجم با عنوان «پیام بیانگر فرهنگ» در دو گفتار به بررسی نقش فرهنگ در شکل‌گیری و درک و فهم سنت شفاهی اختصاص دارد (ص ۱۶۵-۱۹۱). جان معتقد است که در زمان تفسیر سنن شفاهی باید به فرهنگ جامعه و بستر فرهنگی که یک پیام در آن شکل گرفته است، توجه داشت. به‌طور مثال: «غیب‌گویان در سنت شفاهی اغلب پیش‌گویی‌های درست دارند و با مسائل مذهبی (تقدیر و قضا و قدر) همراه هستند. همچنین اعداد کامل و خوش‌یمن، اعداد مذهبی هستند و اعداد شوم و بدیمن اعداد بدبختی هستند» (ص ۱۸۷).

عنوان فصل ششم «سنت به‌مثابه یادآور اطلاعات» است (ص ۱۹۷-۲۴۶) که در آن مؤلف در سه گفتار به دنبال تبیین این موضوع است که پیام‌ها و سنت‌های شفاهی به‌عنوان محصول حافظه چه معنایی برای مورخ پیدا می‌کنند. برخلاف دیگر منابع، سنن شفاهی اطلاعاتی را شامل می‌شوند که در حافظه قرار دارند. وی در بحث مهمی با عنوان «بازخورد» (ص ۲۰۹-۲۱۰) معتقد است که نباید سنت شفاهی را به‌وسیله منشاء اولیه آن محدود کرد. یعنی اگر پیام شناخته‌شده‌ای مانند داستان نوح در منابع معتبری مانند قرآن کریم آمده و این مسئله موجب توجه بیشتر به این داستان شده است، نباید ما را به همان منابع محدود کند، چراکه اشتیاق مردم به اطلاعات در دوره‌های



مختلف، بعضاً باعث تغییر محتوای یک پیام می‌شود. جان معتقد است تا زمانی که نوشتن در یک جامعه عمومیت پیدا نکرده باشد، نه تنها سنت‌های شفاهی از بین نمی‌روند، بلکه مردم آن‌ها را با سنت‌های خود ترکیب کرده و این مسئله باعث ماندگار شدن آن‌ها می‌شود. لذا نتیجه می‌گیرد که مورخان باید همواره از احتمال ترکیب، انتقال و وام گرفتن منابع نوشتاری در سنن شفاهی آگاه بوده و تمام منابع نوشتاری در این زمینه را به دقت مورد بررسی قرار دهند.

وی در ادامه در پاسخ به این سؤال که آیا سنت‌های شفاهی به منابع نوشتاری وابسته‌اند یا منابع نوشتاری به سنت‌ها، می‌گوید:

«مورخ باید منابع شفاهی خود را با سایر منابع موجود اعم از منابع نوشتاری، منابع باستان‌شناسی، زبان‌شناسی و یا حتی شواهد قوم‌شناسی مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. سنت شفاهی می‌تواند منابع دیگر را تأیید کند یا توسط آن‌ها تأیید شود. این به معنای ارجحیت هیچ‌یک از آن‌ها بر دیگری نیست. زمانی که یک سند نوشتاری و یک سنت شفاهی همگرا هستند، هر دو بخشی از فرایند اثبات هستند. لذا تا زمانی که سنت‌ها به‌طور مستقل تأیید نشوند، شواهدی را که آن‌ها ارائه می‌دهند، تنها می‌توان به‌عنوان «مشروط» پذیرفت» (ص ۲۱۴).

فصل هفتم به ارزیابی سنت شفاهی به‌عنوان یک منبع اختصاص دارد (ص ۲۴۷-۲۶۴). نویسنده در این فصل سعی دارد تا تأثیر عوامل مختلف هنری، اجتماعی، فرهنگی و ذهنی را بر روی محتوای سنن شفاهی نشان دهد. وی ضمن برشمردن محدودیت‌های سنن شفاهی از جمله تغییرپذیری پیام‌ها، فقدان گاه‌شمار، وابستگی متقابل منابع و فقدان استقلال سنت‌های شفاهی، انتخابی بودن محتوای سنت، امکان بازخورد، تعصب ذاتی تفاسیر، قوم‌گرایی و نخبه‌گرایی، معتقد است به‌رغم وجود این محدودیت‌ها، ما نمی‌توانیم سنت‌های شفاهی را به دلیل ویژگی منحصر به فرد بودن آن به‌عنوان یک منبع نادیده بگیریم. سنن شفاهی نه تنها منبعی در مورد گذشته، بلکه یک تاریخ‌شناسی از گذشته- نه تاریخ‌نگاری- و یک گزارش از نحوه تفسیر آن‌ها مشابه با تفسیر مورخان از گذشته است. بنابراین سنن شفاهی باید به‌عنوان فرضیه تلقی شوند و محقق مدرن باید به‌عنوان اولین پیش‌فرض، قبل از اینکه بقیه منابع را در نظر بگیرد، به این منبع توجه نماید و به‌صورت روشمند آن‌ها را بررسی و سپس اثبات یا رد کند (ص ۲۶۱).

جان وانسینا در بخش نتیجه‌گیری معتقد است سنت‌های شفاهی همچون منابع نوشتاری، عناصری کلیدی در بازسازی تاریخی به‌شمار می‌آیند که باید در کنار هم به کار گرفته شوند و اینکه برخی فکر می‌کنند صرفاً در جایی که منابع نوشتاری کم و یا موجود نیست، باید به سنت‌ها مراجعه کرد، امری اشتباه است. لذا هر جایی که سنت‌های شفاهی حضور دارند، باید به‌عنوان منبعی ضروری مورد توجه محققان قرار بگیرند. هرچند در استفاده از سنت‌های شفاهی برای دستیابی به نتایجی قابل‌اطمینان نیاز به صرف زمان بیشتری است و از طرفی آن‌ها باید توسط

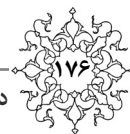


منابع دیگر هم تأیید شوند، اما این دلیلی نمی‌شود که سنن شفاهی را نادیده بگیریم و یا آن‌ها را رد کنیم؛ بلکه می‌توانیم با صبوری و صرف وقت بیشتر و استفاده از متخصصان بین‌رشته‌ای به اطمینان و باورپذیری بالایی دست یابیم.

نویسنده در پایان مدعی است این ثروت باورنکردنی و تنوع سنت‌ها هنوز به‌طور کامل برای محققان علوم اجتماعی، روان‌شناسان یا دانش‌آموختگان علوم انسانی به خوبی درک نشده است. سنت شفاهی آن‌قدر غنی است که با یک مطالعه نمی‌توان تمام جنبه‌های آن را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. لذا تألیف این کتاب را تلاشی در راستای استفاده محققان میدانی و سایر افرادی که قصد دارند از سنت‌های شفاهی برای بازسازی گذشته و بازبانی شواهد تاریخی استفاده کنند، دانسته است.

اشکالات نشر

۱. جلد کتاب هویت کتاب است و اغلب اوقات اولین ارتباط نویسنده با خواننده از این طریق برقرار می‌شود و طراحی جلد نقش بسیار مهمی در فروش کتاب دارد. وجود رنگ سیاه و سفید در روی جلد که هر دو جزو رنگ‌های خنثی به‌شمار می‌آیند و با توجه به اینکه صفحات داخلی کتاب هم به همین رنگ است، جذابیت بصری ندارد. بهتر بود قبل از طراحی جلد، مترجم یا ناشر چندین کتاب مختلف در این موضوع را از نظر طیف رنگ استفاده‌شده مورد بررسی قرار می‌دادند یا از یک گرافیکست حرفه‌ای در طراحی کمک می‌گرفتند. البته تصویر روی جلد به لحاظ مفهومی انتخاب خوبی است و می‌توانست با ترکیب رنگ‌های گرم از جذابیت بالاتری برخوردار شود، هرچند که این مسئله تا حدی نیز می‌تواند سلیقه‌ای تلقی شود.
۲. جای سخن اول یا مقدمه اول از طرف ناشر خالی است.
۳. در بخش فیا، تعداد صفحات کتاب ۳۰۵ صفحه ذکر شده، در صورتی که کتاب ۲۹۱ صفحه است.
۴. با توجه به موضوع جدید کتاب، بهتر بود که نویسنده در مقدمه یا سخن مترجم به اختصار به اهمیت موضوع و تاریخچه آن در ایران و تفاوت‌های آن با تاریخ شفاهی به‌طور مختصر اشاره می‌کرد تا خواننده بتواند ارتباط بهتر و مؤثرتری با کتاب برقرار کند.
۵. نوع و سایز قلم مناسب به‌نظر می‌رسد و متن کتاب از پاراگراف‌بندی خوبی برخوردار است که این مسئله باعث می‌شود تا خواننده زمان مطالعه، احساس خستگی کمتری بکند.
۶. بخش نمایه کتاب شامل «نمایه‌های موضوعی، اشخاص و مکان» بسیار خلاصه و ناقص است و بسیاری از اسامی و اصطلاحات خاص از قلم افتاده یا در بعضی از موارد اگر اسم یا اصطلاح خاصی در صفحات مختلف تکرار شده، همه صفحات آن ذکر نشده است. به‌نظر



می‌رسد که اگر تمام نمایه‌های کتاب استخراج می‌شد، تعداد این نمایه‌ها حداقل می‌بایست دو برابر نمایه‌های استخراج شده باشد. مانند: کوووومیرا، کامرون، آنگولا، تاگیش، تلینگیت، کلمبیا، شاه شامبا، ووگا، شیرشاه، این‌شوتا، تسمیشیان، اسدیوال، بُول بُول، هوپی و ...

اشکالات و ایرایشی

۱. در قسمت پاورقی‌ها توضیحاتی که مترجم درباره اسامی و اصطلاحات خاص زبانی، قومی، فرهنگی و جغرافیایی آورده، همگی بدون ارجاع هستند و بهتر بود که برای آگاهی بیشتر خواننده، این مطالب به صورت مستند و با ارجاع به منابع صورت می‌گرفت.
 ۲. بهتر بود که معادل انگلیسی کلمات خاص در پاورقی می‌آمد، چراکه تکرار زیاد این کلمات معادل در برخی از صفحات، خواننده را خسته می‌کند. از طرفی این کلمات معادل در برخی از صفحات داخل پراتز نیامده است (برای نمونه ص ۱۱۱). همین‌طور باید حرف اول این کلمات به صورت حرف بزرگ می‌آمد که در برخی از جاها رعایت نشده است (برای نمونه ص ۶۷).
 ۳. استفاده از قلم متفاوت در ارجاع پاورقی‌های صفحه ۸۷.
 ۴. در پاورقی شماره یک در صفحه ۱۳۴ به جای شماره فارسی به اشتباه از شماره انگلیسی استفاده شده که این مسئله موجب بهم‌ریختن جمله در این پاورقی شده است.
 ۵. در صفحه ۸۷ تحت‌عنوان «حماسه»، شعری حماسی به نام «آلیجاگا» آمده است که به‌عنوان نمونه از دو نسخه که یکی مربوط به سال ۱۹۳۵ م. و دیگری مربوط به سال ۱۹۵۰ م. است، برای نشان دادن تفاوت میان آن‌ها در گذر زمان استفاده شده که بخش‌هایی از آن ترجمه شده و بخش‌هایی از آن نیز به زبان اصلی آمده است. به نظر می‌رسد برای دیدن تفاوت‌ها نیازی به ترجمه نبود و اگر هم قرار بود ترجمه شود، بهتر بود تمام متن ترجمه می‌شد و همچنین مناسب‌تر بود که برای نمایش دادن تفاوت‌های این دو نسخه، از جدول استفاده می‌شد.
 ۶. در برخی از صفحات رعایت فاصله و نیم‌فاصله نشده است و کلمات به صورت بهم‌چسبیده آمده‌اند: «دستکم» (ص ۸۷، ۹۹، ۲۳۷، ۱۶۴، ۱۵۶، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۱)، «بکنم» (ص ۸۸)، «بقلم» (ص ۹۳) و «یکتم» (ص ۸۸).
 ۷. کتاب پر است از اسامی و اصطلاحاتی که نیاز به توضیح در پاورقی دارد، البته بسیاری از این موارد توسط مترجم محترم در پاورقی توضیح داده شده، اما برخی از آن‌ها نیز از قلم افتاده است، مانند: «امپراطور مومو»، «هیدا-نو-آره» و «امپراطور گمیو» (ص ۹۵) یا «آرفاویای مقدس» (ص ۱۶۳).
 ۸. به‌کاربردن جملات نامفهوم یا ناقص در برخی از صفحات، مانند موارد زیر:
- «به آسانی می‌توان ساختار داخلی را نشان داد، (آنچه V.propp را یک مورفولوژی یا



ریخت‌شناسی لغات) در روایت می‌تواند با استفاده از مفاهیم طرح، قسمت، موضوع اصلی، تنظیم و زمینه» (ص ۱۱۰).

- «بنابراین مقدار این تأثیرات را باید ارزیابی کرد و ابزارهایی که با آن می‌توان تأثیرات را شناخت و راه‌هایی که می‌توانند هر پیام را تفسیر کنند در گزارش‌ها در نظر بگیرند» (ص ۱۳۰).

- «فیرمن به سمت نشان‌دادن اینکه چگونه همه کلیشه‌ها بیانگر یک اظهارنظر ایدئولوژیک در مورد سلطنت و نظم در جامعه امروز هستند. او سپس به بخش‌هایی از داده‌ها اشاره می‌کند که ...» (ص ۱۹۰).

- «سنت دیگر هوپی حمایت می‌کند از مفهومی که ایجاد ساختار که بعد از دوره اولیه بسیار کند است» (ص ۲۲۴).

- «آن‌ها فرض می‌کنند که این تغییرات در تعداد کل نسل‌های مختلف دخیل ندارد» (ص ۲۴۴).

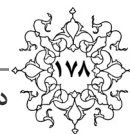
- «ما باید چه نتیجه‌ای بگیریم؟ با توجه به ناپایداری و دشواری در اندازه‌گیری زمان، فقدان اهمیت پیوسته‌شده به زمان و تنوع فواصل زمانی به کار رفته برای ایجاد دوره‌ها در فرهنگ‌های شفاهی ...» (ص ۲۴۵).

۹. در سراسر متن کلمات اصطلاحات بومی سخت‌قراآت که امکان ترجمه تحت‌اللفظی آن‌ها وجود نداشته و معادل انگلیسی این کلمات عیناً در متن آمده، اغلب بدون اینکه داخل گیومه یا پرانتز قرار بگیرند، آمده‌اند (تقریباً در سراسر متن ص ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۹، ...). یا در بعضی موارد یک اسم خاص که در چند جای متفاوت تکرار شده در بعضی جاها داخل پرانتز آمده و در برخی جاها بدون کاربرد پرانتز، مانند: mbegha (ص ۱۸۹-۱۹۱).

۱۰. در صفحه ۳۸ نویسنده توضیح داده که در اشعار، متون مذهبی، دعاها و وردها اغلب از زبان محاوره‌ای، روزمره و آهنگین استفاده می‌شود تا سنن بهتر در حافظه ثبت شوند و در خاطره‌ها بمانند و به‌عنوان مثال دعای خداوند در بین مسیحیان و فاتحه در بین مسلمانان را ذکر کرده که بهتر بود مترجم محترم در پاورقی این اشتباه نویسنده را اصلاح می‌کرد که سوره فاتحه دعا نیست بلکه آیه قرآن است که با دعا و ورد فرق می‌کند و براساس اعتقادات مسلمانان آیات قرآن مانند سنن شفاهی نیستند که در طول زمان دچار تغییر شوند.

۱۱. در برخی از صفحات از کلمات ترکیبی (فارسی-انگلیسی) نامرسوم استفاده شده است، مانند: «... و الف و ب و nم به یک جامعه و یا یک شبکه اجتماعی تعلق دارند» (ص ۲۰۱).

۱۲. جانداختن برخی از کلمات یا حروف اضافه، مانند: «فرهنگ» (ص ۳۶)، «واو» (ص ۴۳)، «را»



- ص ۴۳)، «واو» (ص ۴۶)، «که» (ص ۴۷)، «را» (ص ۸۴)، «را» (ص ۱۴۱)، «که» (ص ۱۵۸)، «را» (ص ۱۶۶)، «به» (ص ۱۶۸)، «به» (ص ۱۸۱)، «را» (ص ۱۹۱)، «را» (ص ۱۹۵)، «را» (ص ۲۰۱)، «که» (ص ۲۴۰) و «که» (ص ۲۶۰).
۱۳. به کاربردن اضافه کلمه یا حروف اضافه، مانند: «واو» (ص ۴۶)، «است» (ص ۶۵)، «را» (ص ۷۸)، «را» (ص ۹۵)، «را» (ص ۱۰۱)، «چنین» (ص ۱۳۲)، «را» (ص ۱۵۱)، «که» (ص ۱۶۰)، «از» (ص ۱۸۴)، «را» (ص ۲۰۳)، «وجود» (ص ۲۰۵)، «از» (ص ۲۲۱)، «که» (ص ۲۲۴)، «که» (ص ۲۲۹)، «که» (ص ۲۲۷)، «است» (ص ۲۵۴) و «که» (ص ۲۶۴).
۱۴. به کاربردن برخی از کلمات به صورت عامیانه یا زبان گفتار، مانند: «کدوم» (ص ۸۶، ۵۶) و «یه» (ص ۷۹، ۱۲۰).
۱۵. به کاربردن تنوین بر روی کلمه فارسی، مانند: «گأهأ» (ص ۲۱۰).
۱۶. به کاربردن اشتباه فعل، مانند: «است» به جای «هستند» (ص ۴۳)، «می کند» به جای «کند»، «گردد» به جای «می گردید» (ص ۸۲)، «کرد» به جای «شد» (ص ۱۴۲)، «می دهد» به جای «دهد»، «دارد» به جای «داشته باشد» و «می کنند» به جای «کنند» (ص ۱۵۶)، «داد» به جای «دادند» (ص ۱۵۸) و «باشد» به جای «باشند».

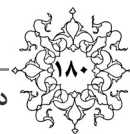
غلط‌های تاییبی

در کتاب غلط‌های تاییبی بسیاری وجود دارد که شایسته این ناشر و مترجم محترم نیست. به علت کثرت این موارد، آن‌ها را در قالب یک جدول ارائه کرده‌ایم:

غلط تاییبی	درست	صفحه	غلط تاییبی	درست	صفحه
پیام‌های	پیام‌هایی	۲۲	ویژگی‌های	ویژگی‌هایی	۷۸
نکته‌ای	نکته	۲۳	ساختای	ساختاری	۷۹
قسمت‌های	قسمت‌هایی	۲۳	گذشته	گذشته	۷۹
گزارش‌های	گزارش‌هایی	۲۴	یه	یک	۷۹
تپه‌های	تپه‌هایی	۲۴	نمونه‌های	نمونه‌هایی	۸۰
موشکانه	موشکافانه	۲۶	اشیای	اشیایی	۸۰
نمونه‌های	نمونه‌هایی	۳۰	نشان‌های	نشان‌هایی	۸۱
پیام‌های	پیام‌هایی	۳۱	گذشته	گذشته	۸۱
داستان‌های	داستان‌هایی	۳۲	گذشته	گذشته	۸۲
گذار	گذار	۳۲	مکان‌های	مکان‌هایی	۸۲



صفحه	درست	غلط تاییبی	صفحه	درست	غلط تاییبی
۸۲	بخش‌هایی	بخش‌های	۳۳	داستان‌هایی	داستان‌های
۸۲	مکان‌هایی	مکان‌های	۳۴	استعاره‌ها	استعاره‌های
۸۳	طبل‌هایی	طبل‌های	۳۴	ارائه‌ای	ارائه‌های
۸۵	کنترل	کنترول	۳۴	داستان‌هایی	داستان‌های
۸۵	آموزش‌هایی	آموزش‌های	۳۵	داستان‌هایی	داستان‌های
۸۶	جایی	جای	۳۵	نمی‌دانیم	نمی‌دانم
۸۷	قواعد	قواعد	۳۵	مصاحبه‌هایی	مصاحبه‌های
۱۰۸	ویژگی‌های	ویژگی‌های	۳۶	نمایش‌های	نمایشان
۱۱۳	می‌کردند	می‌کردند	۳۶	گزارش‌هایی	گزارش‌های
۱۱۸	ساده‌ایی	ساده‌ی	۳۷	روایت‌هایی	روایت‌های
۱۲۲	بخش‌هایی	بخش‌های	۳۸	ورده‌ایی	ورده‌های
۱۲۴	ایجاد	ایحاد	۳۸	گردند	کردند
۱۲۵	جایی	جای	۳۹	گردند	کردند
۱۲۵	جامعه‌ای	جامعه‌ای	۴۰	پیام‌هایی	پیام‌های
۱۳۱	مناسب	متناسب	۴۰	نقطه‌ایی	نقطه‌ی
۱۳۲	محدودیت‌هایی	محدودیت‌های	۴۱	مکان‌هایی	مکان‌های
۱۳۶	فقدان	فقدات	۴۲	داستان‌هایی	داستان‌های
۱۳۷	هستند	هستندف	۴۲	گفت‌وگو‌هایی	گفت‌وگو‌های
۱۳۷	خصوصی	خصوص	۴۲	موقعیت‌هایی	موقعیت‌های
۱۳۸	می‌شود	می‌شد	۴۲	ماجرای‌ایی	ماجرای‌های
۱۳۹	پیام‌هایی	پیام‌های	۴۳	داده‌هایی	داده‌های
۱۴۱	یادگیری	یادگیریف	۴۳	گزارش‌هایی	گزارش‌های
۱۴۱	جایی	جای	۴۴	کنترل	کنترول
۱۴۳	داستان‌های	داستان‌هایی	۴۴	تصمیم	تصمیمیم
۱۴۳	تنها	تمنها	۴۵	دارند	داردند
۱۴۲	سلیمان	سلیما	۴۷	شنیدند	شندیدند
۱۴۳	سلیمان	سلیما	۴۷	چیز‌هایی	چیز‌های
۱۴۴	اجرای‌ایی	اجرای‌ی	۴۹	گزارش‌هایی	گزارش‌های
۱۴۵	قصه‌هایی	قصه‌های	۴۹	گذشته	گذاشته
۱۴۶	روستای	روستای	۵۰	علی	علی



صفحه	درست	غلط تایپی	صفحه	درست	غلط تایپی
۱۴۷	گزارش	گزارشی	۵۰	گذشته	گذاشته
۱۴۷	آوردند	آروند	۵۱	فهرست‌هایی	فهرست‌های
۱۵۱	می‌کردند	می‌کرنند	۵۱	نوآوری‌هایی	نوآوری‌های
۱۵۷	جایی	جای	۵۲	بمانند	بماند
۱۵۸	سنت‌هایی	سنت‌های	۵۲	قصه‌هایی	قصه‌های
۱۶۱	ادعای	ادعا	۵۲	معین	معینی
۱۶۳	دارند	دارد	۵۳	جایی	جای
۱۶۸	محصول	محصولا	۵۳	موقعیت‌هایی	موقعیت‌های
۱۷۰	آگاهی‌هایی	آگاهی‌های	۵۳	گزارش‌هایی	گزارش‌های
۱۷۰	پائین	پائینت	۵۴	گزارش‌هایی	گزارش‌های
۱۷۳	گرچه	چه	۵۴	گفته‌هایی	گفته‌های
۱۷۵	یکی	یک	۵۴	مادگاسکار	مادگاسکار
۱۷۶	سنت‌هایی	سنت‌های	۵۵	گذشته	گذاشته
۱۸۵	چیزهایی	چیزهای	۵۵	گروه‌هایی	گروه‌های
۱۸۷	قورباغه‌ها	قروباغه‌ها	۵۵	گونه‌هایی	گونه‌های
۱۹۱	داده‌هایی	داده‌های	۵۵	ترجیح	ترجیع
۱۹۲	با	باز	۵۶	گذشته	گذاشته
۱۹۲	کلیشه‌هایی	کلیشه‌های	۶۵	کدام	کدوم
۱۹۳	دستورالعمل‌هایی	دستورالعمل‌های	۵۷	روی	وی
۲۰۰	اطلاعات	اطلاعات	۵۷	بخش‌هایی	بخش‌های
۲۰۴	سنت‌های	سنت‌ها	۵۷	بیننده	بینده
۲۰۵	حقیقتی	حقیقی	۶۰	سنت‌هایی	سنت‌های
۲۰۵	اطلاعات	اطلاعاتی	۶۱	ارزش‌هایی	ارزش‌های
۲۰۸	نمونه‌های	نمونه‌ها	۶۱	گذشته	گذاشته
۲۱۶	دیگر	دیگری	۶۲	معتبری	معتبری
۲۳۱	واحد‌هایی	واحد‌های	۶۴	پیشرفت‌هایی	پیشرفت‌های
۲۳۲	رویدادهایی	رویدادهای	۶۵	صدایی	صدای
۲۳۲	همه‌گیر	همه‌گیری	۶۵	بخش‌هایی	بخش‌های
۲۳۶	مادگاسکار	مادگاسکار	۶۶	پاسخ‌هایی	پاسخ‌های
۲۳۷	شجره‌نامه‌هایی	شجره‌نامه‌های	۶۶	نمایش‌هایی	نمایش‌های



صفحه	درست	غلط تاییبی	صفحه	درست	غلط تاییبی
۲۳۷	می دهد	می دهند	۶۶	مختلف	مختلف
۲۳۹	گزارش هایی	گزارش های	۶۶	روزمره اشان	روزمرشان
۲۴۸	نگرانی هایی	نگرانی های	۶۷	اجرای	اجرای
۲۴۸	می یابد	میابد	۶۷	جایی	جای
۲۵۱	گزارش هایی	گزارش های	۶۹	تمرین هایی	تمرین های
۲۵۲	این	ای	۶۹	تخصص هایی	تخصص های
۲۵۶	نوشته هایی	نوشته های	۶۹	داستان هایی	داستان های
۲۵۷	وردهایی	وردهای	۷۱	آئین هایی	آئینهای
۲۵۷	موقعیت ها	موقعیت های	۷۲	گذشته	گذشته
۲۶۰	می یابد	می باید	۷۳	داستان هایی	داستان های
۲۶۰	پیام هایی	پیام های	۷۴	جایی	جای
۲۶۰	جایی	جای	۷۷	بخش هایی	بخش های

منابع:

- احمدی، حسین، (۱۳۸۶). سنت شفاهی و تاریخ شفاهی در تاریخ نگاری اسلام و ایران. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۱۸.
- جی. لی، کریستوفر، (۱۳۹۴). چگونگی کار با کلمات: تجسم تاریخ شفاهی آفریقا در متن، ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، بازیابی شده از وبگاه: www.Oral-history.ir
- نورائی، مرتضی؛ دهقان نیری، لقمان؛ ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ شفاهی، مجله پژوهش های تاریخی، ۲ (۴).
- وانسینا، جان، (۱۳۹۷). سنت شفاهی به مثابه تاریخ، ترجمه فرهاد نام برادرشاد. تهران: مورخان.

